

## Abstract

Historiography is one of the most important contexts for the presence and manifestation of cultural nationalism and history has played a key role in the formation of the nation-state. In the age of the nation-state, a utilitarian view of history became important to governments through the writing and teaching of history. Most of the works that have studied contemporary Iran, have found modern Iran in the contrast of traditional and modern cultures have fallen into the trap of mere theory of tradition and modernism. Other few works that have discussed ideas in the form of left-wing or religious and liberal currents of thought have mostly studied the political arena or the so-called political manifestation of those currents in the form of political parties and organizations and have left their etymology. . The secularization of social systems and education is one of the pests of positivist logic that leads to many individual and social problems in Islamic society. The school of positivism has emerged prominently in Iranian nationalist historiography. Most of the histories written in the Pahlavi period carried the concept that achieving the development and modernization of society according to Western models is everyone's aspiration and this aspiration has been made possible by the adequacy of Reza Shah and then his son. Numerous writers were under this tendency and thought.

Keywords: Discourse of Positivism, Mohammad Reza Shah, Cultural

مکتب پوزیتیویسم در دوره محمدرضا شاه

الهه زنجانیه<sup>۱</sup>معصومه قره داغی<sup>۲</sup>منوچهر صمدی وند<sup>۳</sup>رضا نصیری حامد<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۷

## چکیده

تاریخنگاری از جمله بسترهای ضروری ناسیونالیسم فرهنگی می باشد که در روند شکل گیری دولت ملت نقش مهمی ایفا نموده است. در این دوره نگاه ابزاری به رشته تاریخ برای دولتمردان از راه نگارش کتب تاریخی مورد توجه قرار گرفت. عمده آثاری که به بررسی ایران معاصر اهتمام ورزیده اند، ایران جدید را در راستای تقابل دو فرهنگ سنتی و مدرن یافته‌اند در دام صرف نظریه سنت و مدرنیسم گرفتار آمده‌اند. دیگر آثار معدودی نیز که اندیشه‌ها را در قالب جریان‌های فکری چپ و راست و یا مذهبی و لیبرال به بحث گذاشته‌اند بیشتر عرصه سیاسی یا به اصطلاح نمود سیاسی آن جریان‌ها را در قالب احزاب و تشکل‌های سیاسی بررسی و از ریشه‌شناسی آنها بازمانده‌اند. سکولار کردن سیستم‌های اجتماعی و تعلیم و تربیت از آفات منطقی اثبات‌گرایانه است که مشکلات فردی و اجتماعی زیادی را در جامعه اسلامی به دنبال دارد. مکتب پوزیتیویسم در تاریخنگاری ناسیونالیسم دیده شد. کتب تاریخی نوشته شده در دوره پهلوی این ویژگی را داشتند که رسیدن به پیشرفت جامعه بر طبق الگوهای غربی انجام گیرد و در دوره محمدرضا شاه این کار صورت گرفت. نویسندگان متعددی تحت این گرایش و اندیشه بودند.

کلیدواژگان: گفتمان پوزیتیویسم، محمدرضا شاه، ناسیونالیسم فرهنگی

<sup>۱</sup> گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران [eli.zanjaniye7@yahoo.com](mailto:eli.zanjaniye7@yahoo.com)<sup>۲</sup> گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران (نویسنده مسئول) [Masomehgaradagi90@gmail.com](mailto:Masomehgaradagi90@gmail.com)<sup>۳</sup> گروه تاریخ، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران [samadivand@iaut.ac.ir](mailto:samadivand@iaut.ac.ir)<sup>۴</sup> گروه علوم سیاسی، دانشگاه دولتی تبریز، تبریز، ایران [r.nasirihamed@tabrizu.ac.ir](mailto:r.nasirihamed@tabrizu.ac.ir)

پوزیتیویسم یا اثبات‌گرایی توسط جامعه‌شناس فرانسوی آگوست کنت در قرن هجدهم میلادی به کار رفت و نظرات پوزیتیویست‌ها را تدوین و به آنها نظام خاصی داد. آگوست کنت اعلام کرد که جامعه‌شناسی هم همانند فیزیک باید به قضایایی که مستقیماً قابل آزمایش می‌باشند توجه کند. پوزیتیویسم حالت افراطی تجربه‌گرایی است. پیامد این جنبش تلاش و پی‌گیری مداوم پژوهشگران اجتماعی برای اثبات علمی بودن حوزه مطالعاتی آنها بود. در حوزه تاریخ مورخان صرفاً به ردیف کردن وقایع و رویدادها پرداخته و تفکر انتقادی و خلاق بر سنت تاریخ‌نگاری حاکم نشد.

پوزیتیویست‌ها به نوعی به وحدت بین طبیعت و تاریخ و وحدت روش بین علوم طبیعی و علوم انسانی و تاریخی اعتقاد دارند. آگوست کنت از تعابیری چون فیزیک اجتماعی و مهندسی اجتماعی استفاده و جامعه را به دو بخش استاتیک و دینامیک تقسیم نمود و در کتابخانه‌ای شصت کتاب از تاریخ و شصت کتاب از علوم دیگر برای استفاده شاگردانش تهیه می‌کند. اولین کسی است که به تاریخ‌نگاری زمان خود اعتراض و عقیده دارد که تاریخ‌نگاری سیاسی بخشی بسیار کوچک و ضعیفی از تاریخ است. تاریخ و تاریخ‌نگاری در دوره معاصر هم تحت تاثیر مکاتب تاریخ‌نگاری نوین غربی قرار گرفت. اما به دلیل برخی از برداشتهای ناقص از مبانی نظری و روشی مکاتب فکری نوین در کشور ما و همچنین مواجهه غیرانتقادی این روش‌ها با سنت تاریخ‌نگاری کلاسیک جا افتاده در نزد پژوهشگران تاریخ این مرز و بوم ترکیبی نامتجانس در تاریخ‌نگاری ما ظهور کرد، مهم‌ترین فرض آن بر جدایی بین سنت و مدرنیته استوار است. آن‌ها با اولویتی که به وجه ادراکی می‌دهند پیچیدگی امور را در نظر نمی‌گیرند و به ساده‌سازی می‌پردازند و راحت نتیجه‌گیری می‌کنند. اثبات‌گرایی اجازه نمی‌دهد باورها در ارتباط با حیات اجتماعی مورد تفسیر قرار گیرند و مدعی غلبه بر محدودیت‌های زمانی و مکانی و مطالعه رفتار آدمی فارغ از ویژگی‌های فرهنگی اند. به علت تأکید بر سوژه انسانی در شکل‌دهی به پدیده‌های سیاسی و اجتماعی، در این ادبیات، اندیشه‌ها و جریان‌های فکری و سیاسی در قالب شخصیت‌ها بررسی شده و کمتر مجموعه و نظام اندیشه مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

#### پوزیتیویسم<sup>۱</sup>

سیستم فلسفی آگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷ م) را پوزیتیویسم می‌گویند و دکتترین شناخت برای رسیدن به حقیقت را تنها از راه آزمایش و تجربه می‌دانستند. (رادمنش، ۱۳۷۹: ۶۹) معنی واژه پوزیتیویسم که از نظر لغوی ریشه‌های لاتینی این اصطلاح مصدر Poner است که معنای نهادن و وضع کردن می‌دهد. در زبان‌های فرانسه و انگلیسی این اصطلاح به ترتیب از واژه‌های *positif* و *positive* اخذ شده است که در هر دو زبان به معنی قطعی و یقینی است. (ادیب سلطانی، ۱۳۵۹: ۳۸) از یک طرف پوزیتیو به اطمینان ناشی از دانش علمی اطلاق می‌شد و از سوی دیگر نقطه متقابل منفی بود که به معنی انتقادی و ویرانگر به کار برده می‌شد. (گولدنر، ۱۳۶۸: ۳۷) پوزیتیویسم به فلسفه تحقیقی آگوست کنت گفته می‌شود که اعلام می‌کند که راه اندیشیدن انسان دیگر باید از شناخت اشیاء و پدیده‌ها به وسیله خود آنها چشم‌پوشد بلکه از راه

آزمایش و تجربه در مورد پدیده‌ها به حقیقت دست یابد. جریان پوزیتیویسم از اواخر قرن نوزدهم بر تاریخ نگاری فرانسه سایه افکند. ج. مونو لانگوا<sup>۱</sup> آسنیوبو<sup>۲</sup> از بزرگان مکتب پوزیتیویسم بودند که به این مکتب شکل داده و خودشان هم از آن شکل گرفتند. این مورخان پوزیتیویسم می‌نوشتند. یعنی تا این زمان متد پوزیتیویسم در بین مورخان فرانسه رایج نبوده و آثار و نوشته‌های تاریخی بدین سبک نوشته نمی‌شده است. (رادمنش، ۱۳۷۹: ۶۰)

### مکتب پوزیتیویسم

پدیده مکتب‌ها بیشتر مرهون تاثیرات بیرونی (اجتماعی — فرهنگی) بر روند توسعه علوم نخستین و دیگر حوزه‌های آکادمیک است تا مدیون تاثیرات درونی. به تنهایی فردی نمی‌تواند یک رشته علمی را بنیادگذاری کند. متفکران بسیاری در پیدایش اندیشه‌های نخستین جامعه شناسی سهم بوده‌اند. اما جایگاه برتر به آگوست کنت داده می‌شود. چون واژه جامعه شناسی را وی ابداع کرد. اصطلاح فیزیک اجتماعی را برای اشاره به این رشته جدید مطالعه به کار برد. اما نویسندگان دیگر نیز شروع به کاربرد آن اصطلاح کرده بودند و او می‌خواست دیدگاه‌های خودش از دیگران را متمایز کند. واژه جدیدی برای توصیف رشته‌ای که می‌خواست ایجاد کند وضع نمود. کنت جامعه‌شناسی را آخرین علمی که ظهور می‌کند اما در عین حال پیچیده‌ترین علوم تلقی می‌کرد او عقیده داشت که این علم باید به رفاه و بهبود بشریت کمک کند. او در اواخر دوران زندگی برنامه‌های بلندپروازانه‌ای برای بازسازی جامعه فرانسه به طور اخص و جوامع انسانی به طور کلی تهیه و تنظیم نمود. (گیدنز، ۱۳۹۵: ۷۵۰) بیشترین تاثیر وی بر امیل دورکهایم<sup>۳</sup> بود. بعد او دست به تقسیم‌بندی علوم بر حسب عقلی، علمی بودن یا نبودن زد و برای علوم نردبانی بر این اساس ساخت و مراتب در نظر گرفت و در ترتیب ریاضیات، ستاره شناسی، فیزیک و شیمی و بیولوژی و جامعه شناسی که فیزیک اجتماعی می‌خواند قرار داد. آگوست کنت انسان را حیوان اجتماعی می‌نامید که شایستگی و توانایی گرفتن تشکیلات مذهبی، سیاسی و تربیتی و اخلاقی را دارد. (رادمنش، ۱۳۷۹: ۶۲)

لیتره<sup>۵</sup> از پوزیتیویسم به عنوان سیستم فلسفی پوزیتیو یاد می‌کند. او با این عبارت می‌خواهد به مورخان همزمان خویش بگوید که پوزیتیویسم به وسیله آگوست کنت و به تاثیر از کتاب درس‌هایی از فلسفه تحقیقی او که به سال ۱۸۶۹ منتشر شده به وجود آمده است. اما این واژه همانند بسیاری از واژه‌های دیگر پس از یک قرن در فرهنگ‌ها معانی مختلفی پیدا کرد. (رادمنش، ۱۳۷۹: ۶۱)

مکتب تحقیقی آگوست کنت مبتنی بر آزمایش و تجربه و به کار گرفتن عقل در تاریخ و اجتماع است. سرچشمه و منبع مکتب تاریخ نگاری پوزیتیویسم است اما چون او بنیانگذار یا پیامبر مذهب انسانی در قرن نوزدهم نیز هست بدین لحاظ او را در رده تفسیرکنندگان عرفانی تاریخ می‌توان محسوب کرد. زمانی که

<sup>۱</sup>-Mono

<sup>۲</sup> Langlois

<sup>۳</sup> Sinobos

<sup>۴</sup> Emile Durkheim داویدامیل دورکهایم جامعه شناس بزرگ قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی که موسس

سال نامه جامعه شناسی و کرسی استادی جامعه شناسی را تاسیس نمود. ر.ک: لیوئیس کوزر (۱۳۸۳): زندگی و اندیشه بزرگان

جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۲۰۵

<sup>۵</sup> Littre فیلسوف فرانسوی و مولف لغت نامه مشهور فرانسه

اختلاف بر سر فلسفه‌هنگلی اصالت معنای مطلق در آلمان غوغا می‌کرد در فرانسه آگوست کنت یک نظر فلسفی تحت عنوان فلسفه تحصلی بیان داشت. او اصل را بر حقانیت علوم جدید قرار می‌داد و بر اساس آن ادعا می‌کرد که قانون کلی تحول فرهنگ انسان را دریافته است. او قائل به مراحل سه‌گانه بود و تصور می‌کرد که در تبیین امور، ذهن انسان از دو مرحله دنیا و فلسفی گذشته و صرفاً به مرحله علمی رسیده است. یعنی دیگر به جای اینکه به چرایی امور بپردازد به مطالعه چگونگی آنها توجه کرده و رابطه علت و معلول را صرفاً بر اساس دو پدیدار مقدم و تالی بیان می‌کند. پوزیتیویسم با پنج قانون طلایی خود ظهور می‌یابد. قابلیت مشاهده، آزمون، تکرارپذیری، تعمیم‌پذیری، صدور یک قانون کلی. پوزیتیویسم با همین روش درصدد تبیین پدیده‌های انسانی و اجتماعی است.

### ویژگی‌های تاریخنگاری ناسیونالیستی

در قرن نوزدهم میلادی ناسیونالیسم در اروپا به دوران اوج شکوفایی خود رسید و از آن زمان به مرور وارد سایر کشورهای جهان و به خصوص کشورهای شرق و خاورمیانه شده و در سطوح سیاسی و فرهنگی این سرزمین‌ها به اشکال گوناگون رواج یافت. طی این دوران، یکی از اصلی‌ترین و گسترده‌ترین تأثیرات ناسیونالیسم، پیدایش مقولهٔ هویت ملی نوین در میان ملت‌های منطقه خاور میانه و از جمله ایران بوده است. (علی زاده و طرفدار، ۱۳۸۹: ۱۶۲) مشرب مکتب پوزیتیویسم سال‌ها در سوربون و مدارس عالی فرانسه تبعیت می‌شد به ویژه که تفکر پوزیتیویستی در تاریخ چه در فرانسه و چه در آلمان وارد میدان‌های دیگری که معمولاً تاریخ سنتی بدان کمتر عنایت داشت شده و مسائل سیاسی، حقوقی، اقتصادی، ادبی را هم در حوزه کار خویش قرار می‌داد. (رادمنش، ۱۳۷۹: ۶۹) بعدها وقتی که تواریخ ملی یا ناسیونالیستی در جنگ جهانی اول مسئول شناخته شدند این موضع بیش از پیش تقویت شد. شورش بر پوزیتیویسم در اواخر قرن نوزدهم با شورش بر تاریخ سیاسی و ملی و تاریخ رویداد محور یا تاریخ روایی و متکی بر ایده اصالت سند همراه بود. کسانی چون ویلهلم دیلتای نسبت به خط اسارت علوم فرهنگی و تاریخی در برابر پوزیتیویسم هشدار دادند. دیلتای نخستین کسی بود که به کامل‌ترین وجه تاریخ را با پوزیتیویسم و علوم طبیعی روبرو کرد. هدفش در کتاب درآمدی بر علوم فرهنگی ۱۸۸۳ م این بود که دو نوع پژوهش علمی یعنی پژوهش در طبیعت و پژوهش در تاریخ را از هم تفکیک کند. (اسماعیلی و قادری، ۱۳۸۹: ۱۰۲۷۱۲) پوزیتیویست‌ها که از تاریخ‌نمایشگاه اسناد ساخته بودند و فقط به اسناد و مدارک صرف اتکا داشتند. (رادمنش، ۱۳۷۹: ۷۴)

از زمانی که پوزیتیویسم به طرف ناسیونالیسم رانده شد معرفت خویش را از دست داد چه تاریخ پوزیتیویست‌ها در این زمان هم‌زمان با سیاست کاملاً شکل ضدآلمانی به خود گرفته و حرفه‌ای شد یعنی در دام همان چیزی که خود بدان حمله می‌کردند گرفتار آمدند. تاریخ در اروپا همیشه خون پرست غیرمنطقی و بی‌رحم بوده است. مورخان اروپایی خیانت‌گرانی بودند که بهترین خدمت را به امپریالیسم نمودند. آنها از تاریخ شرق و به ویژه ملل مسلمان تاریخ نیم‌مرده‌ای ساختند تا انسان‌های نیمه‌مرده بپروراند و زیردندان جهان خواران بیندازند و به همین علت هم تاریخ وقتی خون پرست می‌شود اصول خویش را زیر پا می‌نهد چنان‌که پوزیتیویست‌ها شدند. پوزیتیویسم به بحث ادعا می‌کند که می‌خواهد از علم علت را محو نماید. (همان)

اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جامعه از اهداف روشنفکران ایرانی بود. مکتب نو سازی که در زمان محمدرضا شاه و از سال ۱۳۴۰-۱۳۵۰ الگوی مسلط توسعه و تغییرات اجتماعی در ایران بود در سده های هجدهم و نوزدهم در اروپا حاکم بود و روشنفکران و متجددان ایرانی هم تحت تأثیر آن بودند. این نظریه به لحاظ مبانی و خاستگاه ریشه در تکامل گرایی داشت رشد پوزیتیویسم بر همه شاخه های علوم انسانی سایه افکنده و توجه به داده های حسی اندک اندک تحلیل های ذهنی را کم رنگ کرد. روش علوم تجربی به علوم انسانی هم تعمیم داده شده است. روش شناسی اثباتی مدعی لزوم به کارگیری روش های علوم طبیعی در علوم انسانی است. (باقری، ۱۳۸۵: ۱۲). در تاریخ باید به بنیادها و بنیانها پرداخت تا با گرفتن نتایجی از آن باعث غنی کردن علم تاریخ فراهم شود. (رادمنش، ۱۳۷۹: ۷۲) تاریخ نگاری پوزیتیویست ها ضمن این که تحلیلی بود و به جستجوی علت می پرداخت اما تاریخی کم عمق و قشری بود یعنی در حقیقت با این که نسبت به تاریخ نقالی وقایق نگاری جهشی در آن مشاهده می شد اما همان قشر روین تاریخ را گرفته و در آن به علت یابی و تحلیل می پرداخت یعنی تاریخی با دو چهره سلسله ای یا سیاسی. افکار تمامی مورخان پوزیتیویست یکدست نبود و نقدهایی که از آنان می شد همه را دربر نمی گرفت ضمن اینکه دیدگاه غالب مورخان جا برای انتقاد فراوان باقی می گذاشت. در ایران هم جریان آکادمیک در علم بودن تاریخ شک و تردیدی به خود راه نمی داد. این جریان بدون آن که در صدد اثبات علم بودن تاریخ باشد، دستورالعمل فون رانکه در این باره را مسلم می انگاشت. عباس اقبال همواره بر علم بودن تاریخ و این که دارای قوانین و اصول قابل تعمیم می باشد و در پژوهش های تاریخی می توان با بی طرفی کامل به کشف به طور کلی نگاه پوزیتیویستی به حقیقت نائل شد، تأکید می ورزید. یکی از مهم ترین ویژگی های تاریخ نگاری ناسیونالیستی ایران بود. (فصیحی، ۱۳۷۲: ۲۵۲) تاریخ نگاران روشمندتر از دیگران به بازسازی گذشته می پردازند، در ساختن هویت ملی می توانند نقشی اساسی ایفا کنند. تاریخ نگاری اثبات گرا وجه غالب تاریخ نگاری عصر جدید بوده و هم خدماتی برای علم تاریخ کرده و به علمی تر شدن آن کمک نموده و هم تبعات منفی به همراه داشته است. روش هایی که امروز استفاده می کنیم مدیون اثبات گرایان هستیم. غلبه اثبات گرایی بر اندیشه اجتماعی در ایران را می توان به سال ۱۲۸۸ ق/ ۱۲۵۰ ش دانست. اولین تربیت شدگان دانشگاهی برای اداره جامعه چه در دوره ولایتعهدی عباس میرزا که به خارج اعزام شدند و چه امتداد آن سنت در دوره امیرکبیر تا سپهسالار اغلب مهندس بودند. غلبه مهندسی بر سیاست اداره کردن جامعه خود روندی اثبات گرایی است که ریشه در دوران قاجار دارد. نوشتن ر ساله ها از سوی روشنفکرانی چون مستشارالدوله، میرزا ملکم خان و... تحت تاثیر این رویکرد بود. اثبات گرایی جذابترین مکتب برای هر نهادی است که در صدد حکومت بر اذهان مردم است. در سال های منتج به مشروطه مسئله روشنفکران، روحانیون و سایر نیروهای اجتماعی، مردم به مثابه موضوعی در خور تأمل سیاسی، فرهنگی و انتقادی وارد معادله قدرت سیاسی و الگوی اداره جامعه می شوند. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز مسئله کنترل مردم، رصدپذیر کردن مردم که هر دو مقید به شناخت مردم به صورتی دقیق، علمی و مقوله بندی شده است برای منطق قدرت واجد اهمیت می شود. از مورخانی که تحت تاثیر پوزیتیویسم بودند می توان به فریدون آدمیت، عبدالهادی حائری، جمشید بهنام، محمود سریع القلم، حسن پیرنیا، عباس اقبال و ... اشاره کرد.

پس از جنگ جهانی دوم پژوهش‌های اجتماعی در قالب رفتارگرایی علم پوزیتیویسم را به شدت به سمت کمی‌گرایی سوق داد. بروز پدیده‌های اجتماعی جدید و طرح نظراتی جدید در مسائل سیاسی زمینه‌ساز مباحث نظری پرباری بین علمای علوم اجتماعی و شکل‌گیری مکتب پوزیتیویسم جدید به نام پست پوزیتیویسم را فراهم نمود. (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۲۳) اصالت علم ویژگی بارز است که جهان امر واقعی است و تخیل و تعقل باید به تابعیت احکام ناشی از تجربه و مشاهده در آید و متافیزیکی بی‌معنا خوانده می‌شود. بر شیوه و طرز تفکر پوزیتیویستی این امر تأکید دارند که سیاست و اجتماع را نمی‌توان صرفاً به اتکاء احکام ما بعدالطبیعه توضیح داد بلکه لازم است برای شناخت عینی حیات اجتماعی و انسانی از مشاهده و تجربه سود جست. پوزیتیویسم با متافیزیک مخالف است و فلسفه را خارج از علم می‌داند و آن را بی‌معنی و مبهم تلقی می‌کند. هیچ چیزی ورای واقعیت و قوانین محقق علوم وجود ندارد. واقعیت‌ها از طریق مشاهده و اندازه‌گیری داده‌ها قابل تبیین و توصیف هستند. بنیاد و اساس معرفت پوزیتیویسم بر وحدت است. بدین معنی که تمام رشته‌های مطالعات علمی اعم از علوم اجتماعی و محیطی می‌توانند تابع نظام معرفت‌شناسی و روش‌شناسی واحدی باشند. محقق موظف است رفتارهای جمعی و پدیده‌های اجتماعی را در یک رابطه علی — علت و معلولی — در قالب‌های نظم‌های تجربه پذیر و یا بی‌طرفی کامل مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. (توسلی، ۱۳۷۶: ۴۷-۵۰) نوشته‌های هانس مورگنتا<sup>۱</sup> استاد آمریکایی و آلمانی در روابط بین‌الملل به عنوان یکی از جدی‌ترین طرفداران واقع‌گرایی پوزیتیویسم وارد مرحله جدیدی از مطالعات جهانی شد. کتاب مورگنتا تحت عنوان سیاست میان ملل در واقع گام اولیه ولی تعیین‌کننده در نزدیک شدن سیاست بین‌الملل به الگوی علوم طبیعی بود. به عقیده وی سیاست همانند جامعه مشمول قوانین عینی است که ریشه در نهاد بشر دارد. بدین ترتیب در مقابل توجه به انگیزه‌ها و اولویت‌های ایدئولوژیکی موضع‌گیری می‌کند. (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۵-۶)

کنت والتس<sup>۲</sup> در به کارگیری روش‌های پوزیتیویستی و بازسازی نظریه موازنه قدرت در قالب ساختارگرایی و با تأکید بر نقش و تأثیر نظام بین‌الملل بر واحدهای سیاسی، ساختار و کارگزار، پایه‌گذار نگرش جدیدی در مطالعات روابط بین‌الملل شد که نام نو واقع‌گرایی را به خود گرفت. تأکید بر علم بودن سیاست بین‌الملل شد که نام نو واقع‌گرایی را به خود گرفت. تأکید بر علم بودن سیاست بین‌الملل و ضرورت تسری متدها و روش‌های علوم طبیعی به روابط بین‌الملل عقیده دارد که نظریه روابط بین‌الملل باید توضیح دهنده قواعد منظم رفتار دولت‌ها به شکلی مختصر و مفید و قابل آزمون باشد. قوانین در صورتی ایجاد می‌شوند که آزمون‌های مطالعاتی و آزمایشگاهی را پشت سر گذارند. قوانین قابل مشاهده هستند و به قوت خود باقی می‌مانند.

<sup>۱</sup>-Hans Morgenthau

<sup>۲</sup> کنت نیل والتز دانشمند علوم سیاسی آمریکایی است. از جمله برجسته‌ترین محققان در زمینه روابط

بین الملل می‌باشد و بنیانگذار نواقح‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری در نظریه روابط بین الملل است.

تعدادی از نظریه پردازان با استفاده از پوزیتیویسم منطقی بنیانگذار رهیافت (رویکرد و نگرش) بسیاری از پژوهش‌گران جریان سراز مکتب واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی افرادی چون هانس مورگنتا، کنت والتز، در تلاش برای علمی کردن روابط بین‌الملل گام‌های موثری برداشتند. (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۲۷) به عقیده مورگنتا هدف سیاست بین‌الملل همانند هدف علوم طبیعی تبیین جهان خارج سیاست و کشف قوانین عام است. یک نظریه سیاسی باید همانند نظرات طبیعی با معیارهای تجربی آزموده شود. ضرورت شناسایی قابل مشاهده رفتارهای سیاسی در روابط خارجی دول و قائل نبودن به تفاوت بین علوم طبیعی و علم روابط بین‌المللی آرمان‌گرایان و واقع‌گرایان را در طیف نظریه‌پردازان پوزیتیویسم روابط بین‌الملل قرار می‌دهد. (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۲۷) کنترل پدیده‌ها و رخدادهای جهانی از سوی دولتمردان امریکا که تحقق این علاقه‌نازمند پشتوانه فکری و نظری منسجم و قابل اجرا بود. به همین دلیل در دهه ۱۹۵۰ م مشاهده حضور تعداد بیشماری از تحلیل‌گران مسائل سیاسی و انتشار دهها کتاب و مقاله در ضرورت و چگونگی مهار و پیش‌بینی پدیده‌ها و حوادث بین‌المللی هستیم. تلاش برای کسب قدرت و سلطه که امری ذاتی است و پدیده‌ها و رخدادهای جهانی به عنوان واقعیتی جهانشمول و تجربی تاکید می‌کنند و پذیرش برتری هژمونیک اقتصادی و تسلیحاتی امریکا توسط کشورها ضروری است. (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۲۸) به دلیل عدم آگاهی از نظرات جدید در علوم اجتماعی با یک نگاه تاریخی به همان مفاهیم و مقولاتی که در نوشته‌های خود متوسل می‌شوند که در ادبیات سیاسی غربی‌ها به کار رفته است. دوگانگی سنت و مدرنیته در عمیق‌ترین لایه‌های افکار و کردار نویسندگان وجود دارد و آنها نمی‌توانند با آسودگی خیال پژوهش‌های موردی و تجربی را بر بنیان مقولات دستگانه اندیشه مدرن به درستی سامان دهند. (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۳۰) سازمان پوزیتیویستی نهاد علم در ایران را نه تنها تسخیر کرده بلکه منطق خودش را هم بر علوم انسانی تحمیل کرده است. تحمیلی که در نسبت نهاد علم و آکادمی در پیوند با دولتی با خواست پوزیتیویستی ترقی و منطق امروزینش پیشرفت و توسعه معنادار است. پوزیتیویسم ایرانی مفصل‌تر از این مطالب است. در چنین بستری علم انسانی به ویژه جامعه‌شناسی پروبلماتیک شده و با اندیشه‌ای یکسره دولتی تاسیس می‌شود که نتیجه‌اش تهی کردن خصلت انتقادی این علم است و فرو کاستن به بازوی اجرایی دولت برای ناسازه‌هایی چون معنی‌فرهنگی، فرهنگ‌سازی یا در بهترین حالت فرو کاستن به ناسازه‌ای دیگر به نام نقد سازنده یا کنار گذاشتن آن به نفع اقتصاد سنجی و روان‌شناسی گری در سال‌های اخیر. از این رو نسبت جامعه‌شناسی، دولت و حکومت مندی و تنظیم پوزیتیویستی ایرانی معنادار می‌شود و بررسی تاریخ‌اش در نهاد جامعه‌شناسی موضوعیت می‌یابد. پوزیتیویسم ایرانی را نمی‌توان با گزاره‌ای ساده‌گرایانه یک انتخاب آگاهانه نیت مند و مبتنی بر خریدایی فردی دانست. پوزیتیویسم ایرانی گونه‌ای رژیم حقیقت است که سوژه‌های خودش را بر ساخته است و در آکادمی به کارگزاری قدرت‌ها گمارده است. پوزیتیویسم انتقادی در راستای اصلاح امور گام برداشته اما این پوزیتیویسم در نسبت با رژیم حقیقت غالب در سایه الگوی غالب پوزیتیویسم ایرانی که تنها و با خودش قابل مقایسه است و مبانی و مضامین اصلی پوزیتیویسم را نیز مراعات نمی‌کند اقلیتی خاموش و طرد شده است. نسبت این پوزیتیویسم جامعه‌شناختی در ایران با گفتمان غالب اقتصاد سیاسی در ایران هم قابل توجه است. جمشید بهنام از موسسان اولیه جامعه‌شناسی در ایران است. به همراه غلامحسین صدیقی، احسان نراقی و شاپور راسخ موسسه تحقیقات اجتماعی رادر سال ۱۳۳۷ بنیان گذاشت. تا سال ۱۳۵۷ عضو موسسه مطالعات اجتماعی در تهران و بنیانگذار و رئیس دانشکده علوم اجتماعی این دانشگاه بوده است. از آثار وی ساختار خانواده و



خوید شاوندی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی (به همراه دکتر شاپور را سخ)، برلنی‌ها: اندی‌شمندان ایرانی در برلن ۱۹۳۰-۱۹۱۵، ایرانیان و اندیشه تجدیدی عقیده دارد در دوره اول آموزش کاملاً تحت تاثیر علوم اجتماعی و مکاتب فرانسوی بود چرا که عملاً هفتاد درصد از اعضاء هیات علمی تحصیلات خود را در ممالک فرانسه زبان انجام داده بودند. بنابراین عقاید دورکیم و آگوست کنت و گروویچ در روش و محتوی درسی آن‌ها جای مهمی را داشت. با پیوستن تحصیل‌کردگان آمریکا و آلمان به هیات آموزشی به تدریج جامعه‌شناسی آمریکا جای خود را باز کرده و عقاید پارسونز و ماکس وبر به درس‌ها راه یافت و بالاخره عقاید صاحب‌نظران مکتب فرانکفورت مطرح گردید.

در ایران غلبه پوزیتیویسم و برابر کردن آن با جامعه‌شناسی فاقد هر گونه بنیان نظری و حتی روشی مستحکم است. این پوزیتیویسم را حتی نمی‌توان پوزیتیویسم نامید صرفاً ایده آلیسمی عوامانه و آماری است. بررسی متون پوزیتیویستی در غرب تقریباً هم دوره با تحقیقاتی که در ایران انجام می‌شود نشانگر علاقه جدی نظری و تمرکز بر نظریه‌ها برای انجام تحقیقات اجتماعی است. جمشید بهنام به صراحت بیان می‌کند که موسسه در انجام تحقیقات سفارشی از سوی دولت ناگزیر بوده و این امر محققان را از انجام تحقیقات بنیادی باز می‌داشت. تاسیس جامعه‌شناسی و گره‌خوردگی آن با دولت که در چارچوب نسبت جامعه‌شناسی در ایران با سیاست قابل فهم است. با وجود گرایش‌های فکری زیادی در فضای روشنفکری ایران پوزیتیویسم ایرانی یا آماری کردن گزاره‌های مبتنی بر فهم عامیانه برای ایجاد وفاق بود.

سیر حرکت غرب از نظریه به پژوهش با پژوهش‌هایی بنیادین ولو پوزیتیویستی قابل طرح است. پوزیتیویسم ایرانی از آغاز راه کج می‌رود و بدون هیچ پژوهش بنیادین در جامعه‌شناسی و سوسه کاربردی و عملی در سر دارد که نمودی است از هم ارزی قدرت برای رصدپذیر کردن جامعه با آمارهای جامعه‌شناختی و تهی کردن خصیصه نقادانه جامعه‌شناسی از نظریه و روش و فرو کاستن آن به مقوله بندی و دسته بندی صرف توصیفی که بدون تربیت جامعه‌شناختی نیز می‌توان آن را با کمک آمار انجام داد. هدف قدرت اداره کردن و رویت پذیری و انتظام دادن و مقوله بندی و دسته بندی است. پوزیتیویسم شاید جذابترین مکتب برای هر نهادی باشد که در صدد حکومت بر ذهن‌ها و بدن‌ها است نه اینکه نشود پوزیتیویسم را به شکلی انتقادی به کار گرفت و موجب پروبلماتیک شدن مردم در سال‌های منتج به مشروطه و مسئله روشنفکران، روحانیون و سایر نیروهای اجتماعی می‌شد و مردم به مثابه موضوعی در خور تامل سیاسی، فرهنگی و انتقادی وارد معادله قدرت سیاسی و الگوی اداره جامعه می‌شوند، بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز مسئله کنترل مردم، رصدپذیر کردن مردم که هر دو مقید به شناخت مردم به صورتی دقیق، علمی و مقوله‌بندی و... شده است برای منطق قدرت واجد اهمیت می‌شود.

از مهم‌ترین مشکلات علوم انسانی و اجتماعی کشور روش‌های کمی و دیدگاه‌های پوزیتیویستی است. به کارگیری رویکرد پوزیتیویستی در علوم انسانی و اجتماعی از یک سو با مبانی معرفتی و هنجاری اسلامی تعارض دارد و از سوی دیگر نظریات برخاسته از این رویکرد به ویژه در عرصه علوم انسانی و اجتماعی نتوانسته است مسائل بومی کشورمان را حل کند. تداوم رویکرد پوزیتیویستی و عدم شکل‌گیری علم دینی و بومی از لحاظ منطقی و فلسفی با هم مرتبط هستند. در ایران غلبه پوزیتیویسم و برابر کردن آن

<sup>۱</sup>- نام مکتبی آلمانی است که در دهه ۱۹۳۰م توسط ماکس هورکهایمر در قالب یک انجمن پژوهش‌های اجتماعی در فرانکفورت تأسیس شد.

با جامعه‌شناسی فاقد هر گونه بنیان نظری و حتی روشی مستحکم است. بررسی متون پوزیتیویستی در غرب تقریباً هم دوره با تحقیقاتی که در ایران انجام می‌شود نشانگر علاقه جدی نظری و تمرکز بر نظریه‌ها برای انجام تحقیقات اجتماعی است. جمشید بهنام بیان می‌کند که موسسه در انجام تحقیقات سفارشی از سوی دولت ناگزیر بود و این امر محققان را از انجام تحقیقات بنیادی باز می‌داشت. تاسیس جامعه‌شناسی و پیوند آن با دولت که در چارچوب نسبت جامعه‌شناسی در ایران با سیاست قابل فهم است با وجود گرایش‌های فکری زیاد در فضای روشنفکری ایران پوزیتیویسم ایرانی یا آماری کردن گزاره‌های مبتنی بر فهم عامیانه برای ایجاد وفاق بود. (اسماعیلی و قادری، ۱۳۸۹: ۱۰۲۸۱۲)

### گفتمان پوزیتیویسم فرهنگی

در عصر پهلوی جریان‌های فرهنگی را می‌توان متأثر از چهار جهت‌گیری فرهنگی دانست. فرهنگ ایران پیش از اسلام، فرهنگ غرب گرا لیبرال سرمایه‌داری، فرهنگ سوسیالیستی و فرهنگ اسلامی. از میان این جهت‌گیری‌های کلی، فرهنگ ایران پیش از اسلام و غربگرا تحت حمایت دولتی بوده و حکومت تلاش می‌کرد با استفاده از جریان‌سازی فرهنگی، جامعه مدنی را تحت تأثیر این دو جهت‌گیری فرهنگی قرار دهد. (ملکی، ۱۳۷۷: ۱۷۶) برخی جریانهای روشنفکری و احزاب چپ‌گرا مانند حزب توده متمایل به فرهنگ سوسیالیستی بودند و فرهنگ اسلامی که فرهنگ عمومی و عامه مردم را در بر می‌گرفت، خود به لحاظ درونی تقسیم‌بندی خاصی داشته است. اسلام سیاسی متمایل به تشکیل حکومت در برابر اسلام عقیدتی بی‌میل به تأسیس حکومت اسلامی، که خود شاخه‌های متفاوتی دارد. فرهنگ ناسیونالیسم شاهنشاهی غربگرا با جهت‌گیری فرهنگی اسلام‌گرایانه که مورد پذیرش بخش قابل توجهی از مردم و نیروهای اجتماعی بود تقابل و تضاد قرار گرفت. (ملکی، ۱۳۷۷: ۱۷۶)

جمشید بهنام عقیده دارد که می‌بایست از ایده جامعه‌شناسی به مثابه علم مطلق حمایت کرد. در عین آن که جامعه باید خود را بشناسد بنابراین باید در پی تلفیق بیرون و درون برآمده والا تعدد علوم اجتماعی تولیدکننده شکل نوینی از استعمار جدید خواهد بود. (بهنام، ۱۳۷۶: ۱۷۵) خلاء ابزارهای سنجش و حتی تکنیک‌های آماری وجود دارد و رویکرد پوزیتیویسم می‌تواند کارشناسی را تربیت کند که با تدقیق آماری و مقوله‌بندی، وضعیت پیچیده جامعه و اجتماع را با زبانی ترجمه‌پذیر به ریاضیات با مدیرانی که ذیل غلبه گفتمان مهندسی هستند گزارش دهد و با کمک زبان مهندسان بر فرایند تصمیم‌سازی اثر بگذارد. غلبه مهندسان بر اداره جامعه، تباری به اندازه جنگ‌های ایران و روس دارد. اولین تربیت شدگان دانشگاهی برای اداره جامعه چه در دوره عباس میرزا که به خارج اعزام شدند و چه امتداد آن سنت در دوره امیرکبیر تا سپهسالار اغلب مهندس بودند. غلبه مهندسی بر سیاست اداره کردن جامعه خود روندی پوزیتیویستی است که ریشه در دوران قاجار دارد. اگرچه تا پیش از موسسه تحقیقات اجتماعی هیچ نهادی به صورت نظام‌مند به تولید دانش اجتماعی نمی‌پردازد اما در برخورد با مسائل اجتماعی ذهنیت پوزیتیویستی خیلی پیشترها (به ویژه با گفتارهای روشنفکرانی چون ملکم در دفتر تنظیمات) قوام یافته بود. از زمان ورود ناسیونالیسم به عنوان یک ایدئولوژی مدرن به ایران در سده نوزدهم میلادی، بسیاری از مسائل فرهنگی ایران، از جمله تاریخ‌نگاری و نحوه نگاه به گذشته تحت تأثیر این ایدئولوژی قرار گرفت و به تدریج نوع جدیدی از تاریخ‌نگاری و بازنمود وقایع گذشته در میان منورالفکرهای دوران قاجار و مشروطیت پدید آمد که طی آن تاریخ‌نویسان

ایرانی با محور قرار دادن ملی‌گرایی، به بازنویسی تاریخ ایران در قرون گذشته پرداختند و در این میان، به ویژه با برجسته کردن تاریخ ایران باستان و قرار دادن این دوره به عنوان دوران حیات ملی ایران و ایرانیان، بنیان‌های هویت ملی ایران نوین بر اساس هویت باستانی ایرانیان را پی‌ریزی کردند. (علی‌زاده و طرفدار، ۱۳۸۹: ۱۶۱) تربیت کارشناس اجتماعی در درون چنین گفتمانی نیازمند برنامه‌ریزی آماردان، جمعیت‌شناسی ... است تا زبان غالب حاکم بر اداره جامعه که زبانی پوزیتیویستی است را به جامعه‌شناسی ایرانی تزریق نماید. طی سده نوزدهم میلادی ناسیونالیسم در اروپا به دوران اوج شکوفایی خود رسید و از آن زمان به مرور وارد سایر کشورهای جهان و به خصوص کشورهای شرق و خاورمیانه شده و در سطوح سیاسی و فرهنگی این سرزمین‌ها به اشکال گوناگون رواج یافت. طی این دوران، یکی از اصلی‌ترین و گسترده‌ترین تأثیرات ناسیونالیسم، پیدایش مقوله هویت ملی نوین در میان ملت‌های منطقه خاور میانه و از جمله ایران بوده است. (علی‌زاده و طرفدار، ۱۳۸۹: ۱۶۲) بررسی تاریخی شکل‌گیری علوم اجتماعی پوزیتیویستی در کشور و مشخص کردن نقش ساختارهای اجتماعی و انگیزه‌های فردی در آن نشان می‌دهد که در سال ۱۳۱۸ رئیس بانک ملی خطاب به نخست‌وزیر، وزیر دارایی و وزیر راه می‌نویسد:

«علت مغشوش بودن و وضع اقتصادی کشور نداشتن برنامه اقتصادی و نبودن مرکزیت در کارهای اقتصادی است و بهترین راه حل برای کاهش این مشکلات داشتن برنامه و یک سازمان هدایت‌کننده برنامه در هیئت دولت است.» (ابطحی، ۱۳۸۸: ۲۰۵) احساس نیاز به تحقیقات اقتصادی، ضرورت تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد در دانشگاه‌های کشور را نشان داد. با توجه به وابستگی شدید فکری حکومت وقت به غرب (امریکا و انگلیس) در اواخر دهه سی این برنامه درسی مبتنی بر اقتصاد کینزی<sup>۱</sup> تدوین و رشته اقتصاد در دانشگاه‌های پهلوی (شیراز فعلی) دانشگاه ملی تهران (شهید بهشتی فعلی) و دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران راه‌اندازی شد. اولین رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران (حسین پیرنیا) در دانشگاه کمبریج اقتصاد نظرات کینز را مطالعه کرده بود. (بهداد، ۱۳۷۷: ۲) تاسیس و روابط دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی با سازمان برنامه و بودجه را نیز می‌توان بر اساس ضرورت انجام مطالعات اجتماعی برای تدوین برنامه‌های توسعه تبیین کرد. غلامحسین صدیقی پدر جامعه‌شناس ایران هم نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری جامعه‌شناسی پوزیتیویستی در ایران داشت. تحصیلات دانشگاهی خود را در فرانسه طی کرده و تحت تأثیر پوزیتیویسم دورکیم<sup>۲</sup> و مارسل موس<sup>۳</sup> جامعه‌شناس قرار داشت. هم‌رای با هابرماس<sup>۴</sup> در کتاب دانش و علایق انسانی می‌توان گفت که علاقه انسانی به پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی موجب شکل‌گیری علوم اجتماعی پوزیتیویستی در ایران شده است. (کرایب، ۱۳۸۶: ۲۱۴) با توجه به زیر نفوذ فکری غرب بودن، ساختار حکومت کشور و اساتید برجسته علوم اجتماعی رویکرد پوزیتیویستی داشته‌اند که علوم اجتماعی پوزیتیویستی در ایران شکل گرفت. اما در شرایط کنونی که

<sup>۱</sup> - نظریه‌ای در اقتصاد کلان است که بر مبنای ایده‌های اقتصاددان انگلیسی جان مینارد کینز Keynesian Economoc بنا شده است. تصمیمات بخش خصوصی گاه ممکن است منجر به نتایج غیر کارا در اقتصاد کلان نشود و از سیاست‌گذاری فعال دولت در بخش عمومی حمایت می‌کنند.

<sup>۲</sup> - Darkheim

<sup>۳</sup> - مارسل موس خواهرزاده امیل دورکیم بود.

<sup>۴</sup> - از فیلسوفان و نظریه پردازان علوم اجتماعی معاصر است.

آن ساختار حکومت از میان رفته و به جای آن ساختار حکومت دینی قرار گرفته است و اساتید پژوهشگران برجسته به نقد رویکرد پوزیتیویستی پرداخته‌اند باز هم تفکر پوزیتیویستی در جامعه علمی کشور تداوم یافته است. باز تولید نظام معرفتی و به تبع آن ساختارهای اجتماعی تنها به صورت آگاهانه و توسط جریان سلطه انجام نمی‌گیرد و راه دیگر آن بازتولید ناخودآگاه و بدون قصد و نیت از طریق توده مردم است. به عبارت دیگر هر چند نظام سلطه، آگاهانه و از طریق گسترش و تعمیق شبکه نیازهای مادی همسو با نظام معنایی مورد حمایتش و تامین این نیازها به بازتولید نظام معنایی و ساختارهای وابسته اقدام می‌کند. (کرایب، ۱۳۸۶: ۲۱۴) این شیوه بازتولید، عامل تداوم تفکر پوزیتیویستی در جامعه نیست اما شیوه‌ی دوم بازتولید نظام معنایی و ساختارهای وابسته کماکان به قوت خود باقی است و توده‌ی مردم برای رفع نیازهای خود از طریق عمل در ساختار شکل داده شده توسط نظام سلطه به بازتولید ساختارهای اجتماعی و به تبع آن به بازتولید نظام معنایی مسلط می‌پردازند. دوام ساختارهای اجتماعی تنها در صورتی است که مردم آنها را باز تولید کنند اما مردم هم این ساختارها را به صورتی خودکار بازتولید نمی‌کنند و این عمل به ندرت با قصد و نیت صورت می‌گیرد. (آندرو، ۱۳۸۵: ۳۸) تولید الگوی تحلیل پوزیتیویستی در تبیین مسائل اجتماعی که در سال ۱۳۴۱ش که خسرو خسروی در مورد جزیره خارک که گونه‌ای تک‌نگاری است و می‌توان روش تلفیقی دانست ذیل بررسی ویژگی‌های اجتماعی در جزیره خارک داده‌های آماری نقشی برجسته ایفا می‌کنند. برای ذکر این داده‌های آماری از نمودارهای دایره‌ای برای توصیف جمعیت بهره‌گیری می‌شود و یا جداولی برای توصیف وضعیت جرایم و انحرافات اجتماعی ارائه می‌شود. اگرچه داده‌ها از سطح توصیف فراتر نمی‌رود اما چینش جدول حاکی از برقراری پیوندهای پوزیتیویستی رایجی است که امروز می‌شناسیم. (خسروی، ۱۳۴۱: ۳۲) خسرو خسروی، متولد ۱۳۰۶ در گیلان که به احتمال قریب به یقین یکی از اعضاء فعال گروه تحقیقاتی پی‌یر بسنیه<sup>۱</sup>، و بخصوص کرنلیس آپت لند، استاد موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در تحقیقات گیلان و سایر مناطق شمالی ایران بوده است همزمان شخصا<sup>۲</sup> نیز به تحقیقات جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی و انتشار آنها در مطبوعات معتبر در آن زمان چون ماهنامه‌های سخن، تلاش، کتاب هفته، آموزش و پرورش، نامه علوم اجتماعی، و... پرداخته است. وی تحقیقاتی پهنانگر در حوزه‌های جامعه‌شناسی شهری و جامعه‌شناسی روستائی، جمعیت‌شناسی، آسیب‌شناسی اجتماعی، و چندین حوزه مشابه دیگر داشته است. از سال ۱۳۵۰ش، با ایجاد گروه آموزشی انسان‌شناسی در دانشکده علوم اجتماعی و تعاون در دانشگاه تهران در صف این گروه قرار گرفت. با غلامحسین صدیقی که به صورتی سیاستمدارانه از تا سیس بخش مردم‌شناسی در دانشکده علوم اجتماعی در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی حمایت و به صورتی بارز و همه‌جانبه از این واحد جدید پژوهشی پشتیبانی می‌کرد به عنوان سرپرست بخش جامعه‌شناسی روستائی مؤسسه (که در آن محققین مبرزی چون مصطفی ازکیا و علی اکبرنیک خلق تلاش می‌کردند) تعیین شد. تقریباً تمام اوقات خود را صرف مطالعات و تحقیقات جامعه‌شناسی روستائی می‌نمود که آثار گرانبهایی از وی در دهه‌های بعدی وجود دارد. از جمله آثارش می‌توان به کتاب جامعه‌شناسی روستائی ایران، جامعه‌شناسی

۱- Pierre Bessagnet جامعه‌شناس فرانسوی که درباره منطقه فرهنگی گیلان به تحقیق پرداخته است. دوران حضور  
 وی در ایران به عنوان کارشناس سازمان یونسکو برای آموزش دانشجویان علوم اجتماعی ایران طبق برنامه کمک فنی سازمان ملل متحد باز می‌گردد.

ده در ایران اشاره نمود. خسرو خسروی تا نخستین ایام سالهای دهه ۱۴۰۰ش محقق و پژوهشگر بخش جامعه‌شناسی روستائی مرکز دائره المعارف اسلامی بوده و در اسفند ۱۳۹۳ در گذشته است.

غلبه پوزیتیویسم بر تحقیق اجتماعی را از یک سو باید محصول یک هم‌ارزی گفتمانی دید و از دیگر سو و شاید با تأکیدی کمتر محصول پیشینه افرادی که موسسه تحقیقات اجتماعی را بنیان‌گذاری کردند. ویژگی‌های قدرت رژیم پهلوی در دهه چهل و حرکت به سوی مدرنیزاسیون گسترده است. تولید قدرت دولتی و بسط و گسترش سازمان‌ها و بوروکراسی ایرانی قدرتی را تشکیل می‌داد که به شدت به علوم دقیقه وابسته بود که در غرب پیروزی چشمگیری بدست آورده و با زبان مشترک ریاضیات بنیاد عقل‌ابزاری مغرب زمین را پدید آورده بود. در چنین برهه‌ای پوزیتیویسم آماری فضای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را هر چه بیشتر برای قدرت‌های غربی رصدپذیر می‌کرد و امکان مداخله قدرت در تنظیم وضعیت را پدید می‌آورد. به تدریج جامعه‌شناسی ایران تاسیس و پژوهش‌های اجتماعی صورت گرفت.

حکومت پهلوی سعی می‌کرد ایدئولوژی و فرهنگ راهبردی مورد نظر خود را در جامعه ترویج کرده و به تبع آن، مشروعیت نظام سیاسی را تقویت و تثبیت گرداند ایدئولوژی‌ای که عناصر تشکیل دهنده آن هم در تعارض با یکدیگر، هم در تعارض با فرهنگ عمومی و جریانهای ریشه دار فرهنگی بود و هم با واقعیت عینی و ملموس جامعه در تعارض دائمی به سر می‌برد. نظام سیاسی طی این دهه و دهه بعد از آن کوشید ایدئولوژی ترکیبی و منحصر به فرد ایجاد کند و مکتب فکری ایدئولوژیکی‌ای را تبلیغ نماید که قدرت خلاقه اش از سوسیالیسم بالاتر و تساوی حقوق و آزادیهای آن از دموکراسی برتر و نحوه عمل آن از لیبرال‌های افراطی قویتر و محکم‌تر باشد. در زمینه منابع ایدئولوژیک مشروعیت ساز لئونارد بایندر معتقد است مشروعیت سیاسی حول محور ساخت فکری سنتی و یا ساخت قانونی قراردادی ساخت عقلانی شکل می‌گیرد. اگر مشروعیت هر نظامی بر یکی از این ساخت‌ها استوار باشد، نظام سیاسی انسجام و ثبات خود را حفظ خواهد کرد. اما اگر این محورها با یکدیگر ترکیب شوند زمینه‌های بی‌ثباتی نظام سیاسی و مشروعیت زدایی از آن فراهم می‌شود. نظام سیاسی ایران از دهه ۱۳۴۰ به بعد ترکیبی متعارض از انواع ساخت‌های مشروعیت ساز را در کنار یکدیگر تجربه کرد ساخت سنتی، ناسیونالیسم پادشاهی، اشرافی‌گری و مذهب از یکسو و ساخت بوروکراتیک، غرب‌گرا، مشروطه‌خواه از دیگر سو ترکیبی متناقض و متضاد از فرهنگ راهبردی را به وجود آورد که حکومت و جامعه مدنی را با انواع چندپارگی‌های فرهنگی مواجه ساخت. عناصر این فرهنگ راهبردی را به اختصار می‌توان در سه جهت‌گیری تقسیم‌بندی کرد. نوسازی غرب‌گرایانه با اقداماتی نظیر انقلاب سفید باهدف مدرن‌سازی جامعه و بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی. تقابل با نهاد روحانیت. پیش‌گرفتن سکولاریسم روبنایی توجه صرف به جدایی دین از سیاست و به حاشیه رانی دین و بی‌توجهی به سایر شاخص‌های سکولاریسم از جمله خردباوری و عقل‌محوری، دموکراسی و برابری حقوق انسانها ماده کرد. (خسروی، ۱۳۴۱: ۳۲)

اثبات‌گرایان علوم انسانی را از فلسفه و نظریه بازی‌ها دور ساختند. تلاش کردند واقعیت را آن طور که هست بشناسند و به دور از ارزش‌های خاص خود به تحقیق بپردازند و از ذهنیت کمتری مایه گیرند. ایشان پدیده‌های جهان هستی (میانی، فیزیکی و انسانی) را معلول علت‌هایی مشخص دانستند انسان‌ها پدیده‌های حیات را تابع عوامل جادویی می‌دانستند. و این علل را قابل شناخت تشخیص دادند. در حالی که قرن‌ها در عوض با نفی نظریه یا تحقیر آن پژوهش‌ها دچار جنون کمیت و مشحون از آمار و ارقام شدند بدون آنکه معنای درست آنان شناخته شود. (اسماعیلی و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۳۷/۱) همچنین اتکای مفرط بر ادراک کردند در حالی که ادراک انسانی نسبی، تغییرپذیر، گزینشی و ارزشی است نیز کوشش مفرط در کمی‌سازی واقعیت باعث غفلت از حرکت به سوی باطن و اعماق واقعیت شد. از سوی دیگر ضمن پذیرش بعد زمان در شناخت پدیده‌های اجتماعی، شناخت آینده را در چهار چوب تبیین‌های اجتماعی میسر دانسته شد و بر خوش بینی مفرط آنان که بعد از رنسانس فتوحات علوم طبیعی را در قلمرو علوم انسانی هم میسر می‌دانستند خط بطلان کشیدند و روشن ساختند.

شناخت کامل نخواهد بود مگر آن که با توجه به دیگر عناصر موجود در آن بستر یا زمینه صورت گیرد. یک پدیده اجتماعی با عناصر پیرامون خود در رابطه‌ای تنگاتنگ است و شناخت این روابط لازمه هر کار علمی است. علوم طبیعی با موجوداتی ناآگاه یا بی‌جان سروکار دارد اما پدیده‌های انسانی دارای ابعاد ذهنی، کیفی و ارزشی هستند. با استفاده از این روش امکان شناخت در جمعیت‌های وسیع فراهم نمی‌آید و قدرت تعمیم در شناخت‌های تاویلی به شدت سقوط می‌کند. همچنین با توجه به تاکید مفرط بر ابعاد ذهنی و روان‌شناختی امکان سقوط در شهودگرایی وجود خواهد داشت. ضمن اینکه تاکید بر ابعاد کیفی و ذهنی گاه موجبات شخصی شدن داده‌ها و عدم روایی تحقیق را فراهم می‌آورد. (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۵۴-۵۹) به نظر اثبات‌گرایان فرایند تاریخی نوعاً با فرایند طبیعی یکی بود و از این رو، روش‌های علوم طبیعی را می‌شد برای تفسیر تاریخ به کار برد. مورخان اثبات‌گرا در روش بررسی واقعیات دو قاعده را به کار می‌گرفتند. (کالینگوود، ۱۳۸۵: ۱۶۴-۱۶۵) هر واقعیت باید به سان چیزی ملاحظه شود که می‌توان آن را با روند تحقیق یا عمل شناسایی جداگانه آشکار ساخت و به این ترتیب کل عرصه دانش تاریخی به بی‌نهایت واقعیت‌های کوچک تفکیک شد تا هر یک جداگانه مورد ملاحظه قرار گیرد. هر واقعیت را باید نه فقط مستقل از بقیه، بلکه مستقل از شناسنده اندیشید به نحوی که تمام عناصر ذهنی در دیدگاه مورخ حذف شود و مورخ نباید درباره واقعیت‌ها داوری کند باید فقط بگوید که آنها چه هستند. (کالینگوود، ۱۳۸۵: ۱۶۸) روش شناسی اثباتی مدعی لزوم به کارگیری روش‌های علوم طبیعی در علوم انسانی است. نمی‌توان دو نوع مختلف علم را به صورت یکپارچه درآورد. در زمان آگوست کنت نگرش به تاریخ دیگر صرفاً تاریخ سیاسی نیست بلکه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، تاریخ فرهنگی و تاریخ مردم مورد توجه و تاکید قرار می‌گیرد و این همان چیزی است که می‌توان آن را به یک معنی پارادایم در تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانست. روش کار مورخان طریقی بود که از علم فیزیک اخذ کرده بودند. تاثیر مکتب پوزیتیویستی در تحول علم تاریخ که این مکتب نوعی برداشت ایستا و عقیم از تاریخ ارائه می‌کرد از این جهت که با تاکید بیش از حد بر روی شناخت دقیق واقعیت‌ها و بررسی بی‌طرفانه رویدادها، تاریخ را از دقت و عینیت لازم برخوردار می‌ساخت تاثیر مثبت داشت جهت‌گیری ایده‌آلیستی در مقابل این مکتب هم تاثیر غیرمستقیم این مکتب در امر تاریخ‌نگاری بود.

پیشرفت علوم تجربی و ظهور معرفت شناسی‌های عینیت‌گرا نوعی تجربه‌گرایی در اذهان اندیشمندان حاکم شد و همه چیز از منظر علوم طبیعی و ریاضیات نگریسته می‌شد.

تأثیر مکتب پوزیتیویسم در تحول علم تاریخ که این مکتب نوعی برداشت ایستا و عقیم از تاریخ ارائه می‌کرد از این جهت که با تأکید بیش از حد بر روی شناخت دقیق واقعیت‌ها و بررسی بی‌طرفانه رویدادها، تاریخ را از دقت و عینیت لازم برخوردار می‌ساخت تأثیر مثبت داشت. جهت‌گیری ایده‌آلیستی در مقابل این مکتب هم تأثیر غیرمستقیم این مکتب در امر تاریخ‌نگاری بود. با پیشرفت علوم تجربی و ظهور معرفت‌شناسی‌های عینیت‌گرا نوعی تجربه‌گرایی در اذهان اندیشمندان حاکم شد و همه چیز از منظر علوم طبیعی و ریاضیات نگریسته می‌شد. برآمدن جامعه‌شناسی به عنوان یک نهاد آکادمیک در ایران منطقی پوزیتیویستی دارد و پوزیتیویسم حاکم بر الگوی پژوهش‌های اجتماعی در ابتدا، غیرانتقادی و فاقد بنیان‌های پوزیتیویستی است. اگرچه پژوهش‌هایی صورت گرفته و متأثر از فلسفه پوزیتیویستی هستند اما روش این پژوهش‌ها ناقص و فاقد بنیان‌های روش‌شناسی پوزیتیویستی هستند. غلبه منطق پوزیتیویسم بر اندیشه اجتماعی در ایران را می‌توان به سال ۱۲۸۸ ق / ۱۲۵۰ ش دانست. سازمان پوزیتیویسم نهاد علم در ایران را نه تنها تسخیر کرده بلکه منطق خودش را هم بر علوم انسانی تحمیل کرده است. اگرچه تا پیش از موسسه تحقیقات اجتماعی هیچ نهادی به صورت نظام‌مند به تولید دانش اجتماعی نمی‌پردازد اما در برخورد با مسائل اجتماعی ذهنیت پوزیتیویستی خیلی پیشترها به ویژه با گفتارهای روشنفکرانی چون ملکم در دفتر تنظیمات قوام یافته بود. شکل‌گیری و ارتباط دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی با سازمان برنامه و بودجه را نیز می‌توان بر اساس ضرورت انجام مطالعات اجتماعی برای تدوین برنامه‌های توسعه تبیین کرد. غلامحسین صدیقی پدر جامعه‌شناس ایران هم نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری جامعه‌شناسی پوزیتیویستی در ایران داشت. تربیت کارشناس اجتماعی در درون چنین گفتگومانی نیازمند برنامه‌ریز آمرادان، جمعیت‌شناسی .... است تا زبان غالب حاکم بر اداره جامعه که زبانی پوزیتیویستی است را به جامعه‌شناسی ایرانی تزریق نماید. با توجه به زیر نفوذ فکری غرب بودن، ساختار حکومت کشور، یا اساتید برجسته علوم اجتماعی رویکرد پوزیتیویستی داشته‌اند.



- آندرو سائر (۱۳۸۵): روش در علوم اجتماعی، رویکرد رئالیستی، ترجمه عماد افروغ، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ادیب سلطانی، میر شمس الدین (۱۳۵۹): رساله وین باز نمود و سنجش مکتب فلسفی تحصیل گروی منطقی، تهران، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ ها
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴): پوزیتیویسم شناخت مسلط بر سیاست خارجی ایران، پژوهش نامه علوم سیاسی، شماره اول
- استفورد مایکل (۱۳۸۴): درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی
- اسماعیلی حبیب الله، قادری منیر (۱۳۸۹): «جستارهایی در تاریخ و تاریخ نگاری، و مسائلی در تاریخ نگاری اجتماعی، تهران خانه کتاب، چ دوم، ج دوم
- باقری، اشرف السادات (۱۳۸۵)، "ماهیت علوم انسانی و روش شناسی آن"، شماره اول، همایش ملی کنگره علوم انسانی
- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۶): نظریه های جامعه شناسی، تهران، سمت
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵): روش های تحقیق در علوم اجتماعی، اصول و مبانی، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ سوم
- خسروی، خسرو (۱۳۴۱): تک نگاری خارک، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی به سفارش شرکت ملی نفت ایران
- رادمنش، عزت الله (۱۳۷۹): تاریخ نگری و تاریخ نگاری جدید، تهران، پیک ستاره دانش.
- رادمنش، عزت الله (۱۳۷۹): مکتب های تاریخی و تجددگرایی تاریخ، تهران، موسسه فرهنگی پیک ستاره دانش
- فصیحی، سیمین (۱۳۷۲): جریان های اصلی تاریخ نگاری در دوره پهلوی، مشهد، وند
- کار، ای. اچ. (۱۳۵۱): تاریخ چیست، ترجمه حسن کامشاد، تهران، خوارزمی، چ سوم
- کالینگوود، رابین جورج (۱۳۸۵): مفهوم کلی تاریخ، ترجمه علی اکبر مهدیان، تهران، نشر اختران
- کوزر، لیونیس (۱۳۸۳): زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- گولدر (۱۳۶۸): بحران جامعه شناسی غرب، ترجمه فریده ممتاز، تهران، انتشار
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۵): جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چ سی ام
- ملکی، خلیل (۱۳۷۷): نهضت ملی ایران و عدالت اجتماعی، گزینش و ویرایش عبدالله برهان تهران، نشر مرکز
- مورگتا، هانس (۱۳۷۴): سیاست میان ملت ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- یان تد بتون کرایب (۱۳۸۶): فلسفه علوم اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران، آگه

- امانت، عباس (۱۳۷۷): "پورخاقان و اندیشه بازیابی تاریخ ملی ایران: جلال الدین میرزا و نامه خسروان"، ایران نامه، شماره شصت و پنج
- بهداد، سهراب (۱۳۷۷): "جریان اسلامی کردن رشته اقتصاد در ایران"، نقد و نظر، سال پنجم، شماره اول، زمستان
- بهرامی، روح الله (۱۳۸۱): "تاریخ نگاری و هویت ملی"، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره چهاردهم
- بهنام، جمشید (۱۳۷۶): علوم اجتماعی، گرایش های فکری و مسئله توسعه ایران، ایران نامه، شماره پنجاه و هشت
- بیگلور، رضا (۱۳۹۳): "ارزیابی انتقادی تاریخ نگاری تاسیونالیستی"، فصلنامه مطالعات ملی، سال پانزدهم، شماره دوم
- بیگلور، رضا (۱۳۹۳): ارزیابی انتقادی تاریخ نگاری تاسیونالیستس در ایران، مجله مطالعات ملی، سال پانزدهم، شماره دوم
- جمشیدی ها، غلامرضا و وحید شالچی (۱۳۸۷): "هرمنوتیک و مساله تاریخمندی فهم انسانی"، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره چهارم
- دهقانی، رضا (۱۳۹۰): "هویت ایرانی و تاریخ نگاری محلی"، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره چهارم
- شوهانی، سیاوش (۱۳۹۱): "برآمدن تاریخ نگاری آکادمیک"، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره صد و هفتاد و دو
- علی زاده، محمدعلی و محمدعلی طرفدار: (۱۳۸۹): تبارشناسی مبانی هویت ملی در تاریخ نگاری ملی گرایانه، مجله مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره هفت.
- موحد ابطحی سید محمدتقی (۱۳۸۸): «تحلیلی جامعه شناختی از علت تداوم رویکرد پوزیتیویستی به علوم انسانی در ایران و عدم شکل گیری علم دینی و بومی با بهره گیری از رویکرد ترکیبی ساخت و عامل» فصلنامه علمی - تخصصی اسلام و علوم اجتماعی - سال یکم، شماره دوم، پاییز و زمستان